

میدون و سوفیا

یکی رو گرفتند همه دی اکتیو کردند



سلام قشنگا.

من میدون دوم همراه عشق آخرم، سوفیا، کلی فکر کردیم و وضعیت جامعه رو براتون آنالیز کردیم. طوری هم آنالیز کردیم که بتوانید جمله‌ها را جاب کنید بزنید روی رو یا خجال یا پشت شیشه عقب ماشینات...

یک سینماگر یک سال حبس گرفت؛

۴۰ سینماگر جلوی دادسرا صف کشیدند و ۴۰ نامه دادند.

....

همه زن‌ها را به ورزشگاه راه ندادند؛

شونزده مرد با زدن هشتک طفلک زن‌ها، پا شدند رفتند ورزشگاه، حالش را بردند.

....

یک روزنامه‌نگار ۱۰ سال حبس گرفت؛

صد روزنامه‌نگار جلوی شهرداری، برای گرفتن آرم رایگان طرح ترافیک خودسوزی کردند.

....

یک طنزنویس دو دهه حبس گرفت؛

۴۰ طنزنویس دی‌اکتیو کردند.

....

به همین منظور من شعری سرودم که در زیر می‌آید:

وقتی فلانی را گرفتند

من نه‌تنها اعتراضی نکردم

که مثل کش تیبون و خیلی تیبونیزه

من رقتم جاش رو گرفتم

من رقتم پروژه‌ش رو گرفتم

و به آب هم روش.

نظر

پاک‌سازی فساد از دستگاه قضا



ناصر ایمانی

● مسئله مبارزه با فساد در واقع سالیان سال است از سوی مسئولان در هر دولتی و در هر زمانی از مدیریت قوه قضائیه دارد تکرار می‌شود و نکته جدیدی نیست و در سال‌های اخیر بر مبارزه با فساد همواره تأکید شده است؛ الان باید دید که رئیس قوه قضائیه، با مطرح‌کردن ایسن مبارزه چه هدفی را در پیش گرفته است و چه تفاوتی با گفته‌های رؤسای پیشین دولت، قوه قضائیه دارد؟ باید دید این سخنان همان چیزی است که مسئولان نظام تاکنون خواسته‌اند؟ چون نظام با فساد هیچ‌گونه سازگاری ندارد و درواقع می‌خواهد که فساد را ریشه‌کن کند و همواره جلوش ایستاده است و نسبت به آن حساسیت دارد. ما همیشه دیده‌ایم که نظام جمهوری اسلامی ایران با آن مبارزه کرده و این حرف‌های آقای رئیسی نباید تکرار همان حرف‌های گذشته باشد. ما باید بنا بر تعبیر درست‌تر بگوییم که آنچه در مرکز و رأس مبارزه با فساد قرار گرفته، خود دستگاه قضائی است.

از دستگاه‌های انتظامی و امنیتی و آنهایی که درواقع مجریان قوه قضائیه کشور هستند، چنین انتظاری می‌رود. این قضیه نه تنها در ایران که در تمام کشورهای دنیا هم چنین است که زمانی دستگاه قضائی می‌تواند با فساد مبارزه کند که بتواند پاکسازی را از خودش در زمینه فساد انجام دهد و من فکر می‌کنم بهتر است صحبت‌های آقای رئیسی را این‌طور تعبیر کنیم یا امیدوار باشیم که منظورش این است که مفسدان پس از این هراسناک باشند چون قوه قضائیه در دورانی است که اگر مفسدان جرمی کنند، عزمش را جزم کرده که در مبارزه با فساد سریع به سراغشان برود و ان‌شاءالله هم چنین شود. هر چه این برخورد سریع‌تر و قاطعانه‌تر باشد، مؤثرتر خواهد بود. این خود یادآوری می‌کند داستان بلدرچین و برزگر را که در کتاب‌های دبستان آمده بود و حالا دیگر مفسدان می‌دانند که هیچ راه نفوذی به دستگاه قضائی وجود ندارد و این یکی از دلایلی است که دیگر مفسدان به فساد اقدام نکنند. اگر بپذیرند و باور کنند که امکان نفوذشان در محاکم قضائی دارد به صفر می‌رسد، همین مانع بی‌پروایی آنان برای انجام هر گونه جرم و فسادی خواهد شد و این خود عاملی برای محتاط‌تر برخوردن مفسدان خواهد بود و به مرور شاید شاهد پایین‌آمدن میزان فساد در کل کشور و تمام دستگاه‌ها باشیم.

چنین حرکت‌هایی انجام شود، یکی از بهترین حرکات برای مبارزه با فساد است. پاک‌سازی قوه قضائیه از فساد عامل مهمی برای ریشه‌کن‌کردن آن از کل دستگاه‌ها خواهد بود. ان‌شاءالله که همین‌طور هم هست.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۶ شهریور ۱۳۹۸ • ۲۶ ذی‌الحجه ۱۴۴۰ • ۲۸ آگوست ۲۰۱۹ • سال هفدهم • شماره ۳۵۱۱ • ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۳:۰۶ • اذان مغرب ۱۹:۵۶ • اذان صبح فردا ۵:۰۵ • طلوع آفتاب ۶:۴۲

روزنامه‌فردا

فardashargh@gmail.com

کارتون خواب

داریو کاستیلجوس

دوگانگی تحریم و مذاکره



تجربه دیگران

همه غیر از برزیل

اتفاقات عجیبی در سطح جهانی در حال رخ‌دادن است که شکل دیگری از رفتار و خواسته‌های شخصی را در دولت‌های جهان به نمایش گذاشته. «رائبر بولسونارو» که با افتخار خود را ترامپ برزیل می‌داند، علاوه‌بر اینکه به تمسخر همسر مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه پرداخته است، اکنون با کمک ۲۲ میلیون دلاری سران گروه هفت نیز مخالفت کرده است. مقامات برزیلی دلیلی برای مخالفت با پذیرش کمک مالی از کشورهای گروه ۷ اعلام نکرده‌اند.

رهبان گروه هفت پس از فراخوان آنتونی گوترش، دبیرکل سازمان ملل، سعی کردند به تفاهمی برای کمک مالی به اطفای آتش‌سوزی در جنگل‌های آمازون بپردازند. منتقدان معتقدند این آتش‌سوزی‌ها عمدی است و درواقع بخشی از وعده‌های انتخاباتی رئیس‌جمهور تازه‌به‌قدرت‌رسیده برزیل است تا به افزایش زمین‌های کشاورزی و افزایش فرصت شغلی کشاورزان کمک کند. منتقدان، چه در برزیل، چه در جهان او را متهم کردند که از طریق اظهارات ضدمحیط‌زیستی و بی‌توجهی به نقض قوانین حفظ جنگل‌ها، موجب تخریب گسترده جنگل آمازون شده است. هرچند پس از سه هفته از آتش‌سوزی‌ها قرار است ارتش به کمک برود و به گفته وزارت دفاع برزیل، حدود ۴۴ هزار نیروی نظامی برای کمک به اطفای حریق در جنگل آمازون اعلام آمادگی کرده‌اند.

در این مدت اعتراضات و تظاهرات متعددی برگزار شد. هرچند تصاویری از مناطق سوخته‌شده منتشر شده است که در آن تنها مارها زنده مانده‌اند و هیچ اثری از گیاهان نمانده است. از ماه ژانویه تا ماه آگوست ۲۴ هزار مورد آتش‌سوزی در جنگل‌های آمازون گزارش شده است و تنها در یک هفته ۹ هزارو ۵۰۰ آتش‌سوزی در جای‌جای این جنگل‌ها در برزیل گزارش شده بود.

دی‌کاپریو نیز در گفت‌وگویی اعلام کرده است حدود پنج میلیون دلار به گروه‌های محلی و بومی‌ها برای مقابله با آتش‌سوزی‌های آمازون کمک می‌کند.



فردا در تقویم سازمان ملل به‌عنوان روز جهانی مقابله با آزمایش‌های هسته‌ای شناخته شده است. هیروشیما، ناکازاکی، چرنوبیل، صحرای نوادا آشناترین نام‌ها و البته دردناک‌ترین نام‌های جهان معاصر هستند؛ مناطقی از جهان که به نحوی قربانی تکنولوژی هسته‌ای شده‌اند و مردم ساکن در آنها و چندین نسل بعد از آنها همچنان تاوان آلودگی زیست‌محیطی ناشی از فجايع هسته‌ای را به بهای سلامتی جسم و روان خود پرداخت می‌کنند. سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۹ در قطع‌نامه‌ای به اتفاق آرا روز ۲۹ آگوست را روز جهانی مقابله با آزمایش‌های هسته‌ای نامید. آلودگی‌های زیست‌محیطی ازجمله آلودگی آب و هوا، تخریب جنگل‌ها و خاک حاصلخیز، با افزایش میزان سرطان و به دنیاآمدن نوزادان با نقص مادرزادی از مهم‌ترین پیامدهای آزمایش‌های سلاح هسته‌ای است. دانشی که قرار بود در خدمت صلح و آرامش و رفاه بیشتر مردم دنیا باشد، در دست قدرتمندان و سیاست‌مداران جهان به تهدیدی برای نابودی بشر تبدیل شده است.

تلاش‌های بسیار سازمان ملل متحد و جنبش‌های مدنی جهانی برای دستیابی به خلع سلاح هسته‌ای هنوز به سرانجام نرسیده است

سلام به فردا

در آرزوی امنیت و صلح



سید محمدعلی ابطی*

و در ایسن میان ادیان نیز از ظرفیت‌های مادی و معنوی خود برای توقف این آزمایش‌ها بهره کافی نبرده‌اند. از دیدگاه دینی احترام به تمام اجزای هستی بر همه انسان‌ها واجب است و ظلم بر خود و طبیعت و دیگران گناهی بزرگ به شمار می‌آید. در همه ادیان کشتارجمعی بشر و به‌قتل‌رساندن بی‌گناهان، گناهی بزرگ است. روز جهانی مبارزه با منع آزمایش‌های هسته‌ای فرصت مناسبی برای رهبران دینی و پیروان ادیان مختلف است تا با تکیه بر ظرفیت‌های دین برای حساس‌کردن افکار عمومی نسبت به آزمایش‌های هسته‌ای که امنیت و سلامت محیط زیست و انسان‌ها را در معرض خطرات جبران‌ناپذیر قرار می‌دهد، استفاده کنند.

در جمهوری اسلامی ایران که سال‌هاست درگیر مباحث هسته‌ای است و اتهام ساخت سلاح هسته‌ای متوجه اوست، قوی‌ترین تاثیراتگذار، فتوای دینی مراجع تقلید و رهبری انقلاب از موضع یک رهبر دینی مبنی بر حرمت ساخت سلاح هسته‌ای است.

مؤسسه گفت‌وگوی ادیان روز جهانی مقابله با آزمایش‌های هسته‌ای را فرصتی مناسب برای یادآوری وظایف دینی دینداران در قبال خداوند، طبیعت، انسان و کل هستی می‌داند و امیدوار است با آگاهی و همدلی و تلاش همه انسان‌های آزاده جهان روزی فرابرسد که همه در امنیت و صلح به تعالی و شکوفایی هرچه بیشتر خود و زندگی بیندیشیم.

*مدیر مؤسسه بین‌المللی گفت‌وگوی ادیان

خاطرات استانبول – ۷

موساییت

یک ترک بخواهید ایسن تابلو را برای شما بخواند، خواهد گفت: «موساییت» برای توقف نه پارک‌کردن اُتومبیل. توریست‌ها و مسافرانی که در هتل‌هایی که در خیابان‌های پاریک و شلوغ مناطق مرکزی استانبول که پر از هتل است اقامت می‌کنند، هر دم می‌بینید رانندگان تاکسی‌های زرد درست جلوی در هتل، وسط خیابان، توقف می‌کنند و پیاده می‌شوند و با آرامش چمدان‌های مسافران را بارگیر یا تخلیه می‌کنند، بدون آنکه صدای بوقی از ده‌ها اُتومبیلی که پشت سر آنها منتظر ایستاده‌اند، بلند شود. این صبر و خاصه دوم جامعه آلمان، فردگرایی است که این مسئله قد علم کند. اما اکنون آلمان با همان نظم آهنین توانسته به یکی از قدرتمندترین کشورها در عرصه اقتصادی، ورزشی، علمی، صنعتی، هنری (به‌خصوص تئاتر) و... تبدیل شود.

شاخصه دوم جامعه آلمان، فردگرایی است که این مسئله نیز باعث رشد چشمگیر افراد در عرصه‌های مختلف شده است.

اما ماشینی‌شدن آدم‌ها و زندگی‌شان نیز زاده همین نظم آهنین و فردگرایی افراطی است که نتیجه‌اش، سرمای جان‌سوزی است که روح جامعه را در بر گرفته.

در ایران برخلاف آلمان، هنوز پیوندهای خانوادگی و زندگی جمعی کم و بیش، خودنمایی می‌کند و هنوز فردگرایی مطلق، تاروپود جامعه را در بر نگرفته است.

از طرف دیگر، در تمام عرصه‌های زندگی به جای «نظم» به‌داهه» حاکم است. نتیجه این بی‌نظمی را به وضوح در عرصه‌های مختلف کشور می‌بینیم. این بی‌نظمی به راحتی قادر است کشور را فلج کند. تنها قدرت و خلاقیت بیش از حد مردم در «بداهه» حل‌کردن مشکلات‌شان است که توانسته جامعه را هنوز سر پا نگاه دارد.

آلمان جامعه‌ای است بدون تابلو. این شاخصه مهم، با تمام ویژگی‌های بالارزش و مثبتی که داراست، هنرمند را نیز به چالش سختی می‌کشد. اما ایران جامعه‌ای است که در تمام زمینه‌های اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی و... تابلو از سر و کولش بالا می‌رود.

خلق آثار هنری و موردقبول‌افتادن هنرمند در دو جامعه کاملاً متفاوت کاری است بسیار سخت و جذاب.

از دو سرچشمه فرهنگی تغذیه‌شدن، با تمام سختی‌هایش، کمک فراوانی به غنی‌ترشدن آثار هنری و چندبعدی‌شدن هنرمند و آثارش می‌کند. نیمه آلمانی‌ام در ایران، ناخودآگاه به دنبال ایده‌بستان هنری، هر سه راس مثلث بهره‌مند می‌شوند: هنرمندان آلمانی، هنرمندان ایرانی و خود من که سال‌هاست نقش پل ارتباطی را بازی می‌کنم.

اما باید اعتراف کنم که گاه کارکردن در ایران، به خاطر کمبود امکانات سخت‌افزاری تئاتر (خلا آموزش مدرن بازیگری و کارگردانی، بودجه ناچیز تئاتر، کمبود سالن‌های حرفه‌ای برای اجرا، کمبود وسایل فنی، کمبود محل تمرین و...) و بی‌نظمی مطلق در تمام عرصه‌های تئاتر، مرا به مرز جون می‌کشاند و احساس می‌کنم «مازوخیتی» هستم که با‌کار تئاتر در ایران، بی‌رحمانه خودآزاری می‌کنم، اما با نگاهی کوتاه به دیگر هنرمندان تئاتر کشور، متوجه می‌شوم که در این راه تنها نیستم، به عبارتی جمعان جمع است. بله، کار در ایران مرا با جامعه و مشکلاتش، به‌خصوص مشکلات هنرمندان تئاتر برای خلق و اجرایی اثر هنری که تقریباً به معجزه شبیه است، به شکل عینی آشنا می‌کند.



حسین بکایی

müsait (مساعد) یک واژه عربی آشنا برای ما ایرانیان است که در سال‌های اخیر جزء واژه‌های بی‌کار به شمار می‌رود. تا چند سال پیش که هنوز پرداخت‌های ادارات و شرکت‌ها مکانیزه و دیجیتال نشده بود، این واژه در ادبیات کارمندان و خانواده‌هایشان بسیار به کار می‌رفت. در آن سال‌ها وقتی کارمندی وسط ماه پول کم می‌آورد، از حسابداری شرکت و اداره درخواست مساعده می‌کرد و به خانواده می‌گفت: «مساعده گرفتم» و... یعنی بخش حسابداری شرکت یک جوری با کارمند کنار می‌آمد و خارج از سیستم و روال، کار او را راه می‌انداخت. در زبان ترکی واژه مساعد به شکل «موساییت müsait» تلفظ می‌شود و یکی از پرکاربردترین واژه‌هاست. در استانبول و ترکیه هر کسی که سوار مینی‌بوس می‌شود، عباتر، «موساییت بیریر» می‌شود و می‌گوید. این عبارت به معنای «لطفاً نگه دارید، می‌خواهم پیاده شوم» است. وقتی کسی به کسی زنگ می‌زند و اغلب وقتی یک طرف مشتری و طرف دیگر ارائه‌کننده خدمتی است، نخستین جمله تلفن‌کننده این است: «موساییت می سینیز» یعنی «آیا شرایط مناسبی برای حرف‌زدن دارید؟» و شاید مترادف «مزاحم نیستم که؟» ما در ایران. کاربرد مزاحم هستم یا نیستم واژه «موساییت» وقتی است که همسایه‌ای یا آشنایی بی‌خبر و وقتی بدون برنامه‌ریزی قبلی، برای خوردن یک قهوه یا شب‌نشینی و گپ‌وگفت در خانه شما را می‌زند و می‌خواهد dort بماند. در این حالت شما به‌آسانی و راحتی و البته بدون دلخوری و بدجنسی می‌توانید بگویید: «موساییت» نیستم. وقتی به کسی می‌گویید: «موساییت» نیستم، به معنای «مزاحم هستی» نیست، به همین دلیل کسی که این پاسخ را شنیده است، حق رنجیدن از طرف مقابل را ندارد. در زندگی روزانه «موساییت» به شکل‌های مختلف دیده می‌شود. برای مثال، در محوطه پارکینگ یک مرکز خرید بزرگ ممکن است تابلویی را ببینید که نوشته است: «برای توقف پنج دقیقه‌ای». اگر از

پرنده آبی

لاکچری بازی در کنکور

بهروز مرادی: انحصار مؤسسات کنکوری است. آنها با اخذ پول‌هایی هنگفت، قبولی در کنکور را تضمین می‌کنند. گویا راسل می‌گوید که پول در یک جامعه ناسالامت که صاحب مشکلات و بازکننده همه قفل‌هاست! در این مؤسسات آنچه بیش از همه به چشم می‌خورد، این است که کنکوری‌ها توسط مدرسانی تعلیم می‌بینند که یا خود طراح سؤالات کنکور هستند یا سؤالات نمونه را در اختیار دارند!ان پول‌های هنگفت قرار می‌دهند. در این نوع تعلیمات «تکنیک تست‌زنی» از جایگاهی تعیین‌کننده برخوردار است. این تکنیک به‌گونه‌ای آموخته می‌شود که از دانش برتر است. «بیچه پولدارها» در این مؤسسات به چنین تکنیک‌هایی مسلط می‌شوند و سرنوشت آنها رقم می‌خورد.یک سوی دیگر این موضوع همانا قضیه سهمیه‌هاست. امسال بیش از ۶۰ درصد پذیرفته‌شدگان پزشکی

سهمیه‌داران بوده‌اند. سال‌های گذشته کشتی‌گیران قهرمان را بدون کنکور بر صندلی پزشکی دانشگاه می‌نشانَدند و به‌این‌ترتیب حق صاحبان حق نادیده گرفته می‌شد. روا نیست از قهرمان‌بودن راتی برسرآزند که صاحب حقی را از جایب که حق اوست برانندازند. به‌این‌ترتیب دانشگاه در تسخیر گروه‌های پولداري درآمد و بسیاری از افراد مستحق و مستعد، پشت درهای دانشگاه به دلیل نبود عدالت اجتماعی اشک‌ریزان‌اند.نظام سهمیه‌بندی کنکور ضدشایسته‌سالاری و عدالت بوده و بر اجحاف استوار است. بیهوده نیست که در میان فارغ‌التحصیلان دانشگاهی بسیارند کسانی که لقب دکتر را با خود پدک می‌کشند اما تعلیم نیافته و آموزش ندیده و پرورش نیافته‌اند. باری نظام سهمیه‌ای یعنی تبعیض علیه گروه‌های کمتربرخوردار اجتماعی، یعنی اجحاف به ندارها، یعنی محروم‌کردن شایستگان ندار از تحصیل در دانشگاه.